



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم»، ضمن تبیین عناصر و کارکردهای گوناگون حوزه، به بیان الزامات تحقق یک «حوزه پیشرو و سرآمد» که نوآور، بالنده، به‌روز، پاسخگوی مسائل نوپدید، مذهب، دارای روحیه پیشرفت و مجاهدت و هویت انقلابی و همچنین مستعد برای طراحی نظامات

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله ربّ العالمين وفضل الصّلاة والسلام علی سیدنا محمد المصطفی وآله الطّاهرين سیّما بقیّةالله فی العالمین.

● **حوزه علمیه قم؛ پدیده‌ای بی‌نظیر در میانه حوادثی سهمگین**

برآمدن حوزه مبارک قم در طلیعه قرن چهاردهم هجری شمسی، پدیده‌ای بی‌نظیر بود که در میانه حوادثی بزرگ و سهمگین رخ داد؛ حوادثی که فضای منطقه غرب آسیا را تیروتر و زندگی مِلّت‌های آن را دست‌خوش آشفتگی و تباهی کرده بود.

● **دولت‌های استعماری؛ منشأ مرارت گسترده در منطقه آسیا**

منشأ و علّت این مرارت گسترده و دیرپا، دخالت‌های دول استعماری و فاتحان جنگ جهانی اوّل بود که با هدف تصرف و تسلّط بر این جغرافیای حسّاس و سرشار از منابع زیرزمینی، از همه ابزارها استفاده کردند و با نیروی نظامی، با طراحی‌های سیاسی، با رشوه و استخدام خیانت‌کاران داخلی، با ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی و با هر وسیله ممکن دیگر، توانستند هدف‌های خود را تحقّق بخشند.

در عراق، یک حکومت انگلیسی و سپس یک دولت پادشاهی دست‌نشانده بر سرکار آوردند؛ در منطقه شامات، از سویی انگلیس و از سویی فرانسه، تصرّفات استعماری خود را با ایجاد نظام طایفی در بخشی و حکومت خاندان دست‌نشانده انگلیس در بخشی دیگر و ایجاد اختناق و فشار بر مردم به‌خصوص مسلمانان و علمای دینی در سراسر آن گسترند؛ در ایران، یک قزاق بی‌رحم و طمّاع و بی‌شخصیّت را به‌تدریج برکشیده و به صدارت و سپس پادشاهی رساندند؛ در فلسطین، کوچ تدریجی عوامل صهیونی و تسلیح آنها را آغاز و با حرکتی آرام، زمینه را برای ایجاد غده سرطانی در قلب دنیای اسلام آماده کردند. هر جا – چه در عراق و چه در شام و فلسطین و چه در ایران– مقاومتی در برابر نقشه‌های گام‌به‌گام آنها وجود داشت، سرکوب کردند و در برخی شهرها همچون نجف، کار را به دستگیری دسته‌جمعی علما و حتّی به تبعید اهانت‌آمیز مراجع بزرگی همچون میرزای نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی و شیخ مهدی خالصی ‎<sup>رحمه‌الله</sup> رساندند و برای دستگیری مردان مجاهد، تفحص خانه‌به‌خانه راه انداختند. مِلّت‌ها دهشت‌زده و سرگشته و افقها تاریک و نومیدکننده شدند. در ایران، مجاهدان گیلان و تبریز و مشهد را به خاک‌وخون کشیدند و مباحثران قراردادهای خائنانه در رأس امور قرار گرفتند.

● **حوزه علمیه قم؛ نهایی مبارک در زمانه‌ای ناسازگار**

در میانه چنین حوادث تلخ و چنین شب بی‌فروغی بود که ستاره قم طلوع کرد. دست قدرت الهی، فقیه‌ی بزرگ و پرهیزکار و مجرب را برانگیخت تا با هجرت به قم، حوزه مدرّس و تعطیل‌شده را دوباره جان بخشد و نهایی تازه و مبارک در سنگلاخ آن زمانه ناسازگار، در مجاورت حرم دُخت مطهّر حضرت موسی‌بن‌جعفر ‎<sup>علیه‌السلام</sup> و در آن زمین مستعد بنشاند.

● **هنر تشکیل حوزه علمیه قم توسط آیت‌الله حائری باتکیه بر تجربیات گذشته**

قم در هنگام ورود آیت‌الله حائری از علمای بزرگ خالی نبود؛ بزرگانی چون آیت‌الله میرزا محمد ارباب و شیخ ابوالقاسم کبیر و تعدادی دیگر در این شهر می‌زیستند؛ ولی هنر بزرگ تشکیل حوزه علمیه یعنی پرورشگاه علم و عالم و دین و دَین با همه ظرافت‌ها و تدبیرهایش فقط از شخصیت مؤیّدی چون آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (اعلی‌الله مقامه فی‌الجنان) برمی‌آمد. تجربه هشت‌ساله تشکیل و اداره حوزه علمیه پُرفروق در اراک و سال‌ها پیش از آن، معاشرت نزدیک با رهبر بزرگ شیعه، میرزای شیرازی در سامرا و ملاحظه تدابیر ایشان در تشکیل و اداره حوزه علمیه آن شهر، به او رهنمایی می‌دادند و درایت و شجاعت و انگیزه و امید در او، وی را در این راه دشوار به پیش می‌بردند.

● **ماندگاری و رشد حوزه علمیه قم با پایداری آیت‌الله حائری**

حوزه در سال‌های آغازین، با پایداری مخلصانه و متوکّله او از زیر تیغ آخته رضاخانی که برای محو نشانه‌ها و پایه‌های دین، به صغیر و کبیر رحم نمی‌کرد، به سلامت جُست؛ ستمگر خبیث نابود شد و حوزه‌ای که سال‌ها زیر فشار حدّاکثری او بود، ماند و رشد کرد و از

امام خامنه‌ای در پیامی به همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم تبیین نمودند

# حوزه پیشرو و سرآمد

اداره جامعه است، پرداختند و تأکید کردند: مهمترین وظیفه حوزه «بلاغ مبین» است که از برترین مصادیق آن، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدّن نوین اسلامی و تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است.

متن کامل پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی در ادامه می‌آید.

آن، خورشیدی چون حضرت روح‌الله <sup>رحمه‌الله</sup> سر برآورد. حوزه علمیه‌ای

که یک روز طلاّبش برای حفظ جان خود، از سحرگاه به زوایایی در بیرون شهر پناه می‌بردند و به درس و بحث می‌پرداختند و شبانگاه به حجره‌های تاریک در مدرسه‌ها بازمی‌گشتند، در چهاردهه پس از آن، کانونی شد که شعله‌های مبارزه با دودمان خبیث رضاخان را به سراسر ایران می‌فرستاد و دل‌های افسرده و ناامید را برمی‌افروخت و جوانان منزوی را به میانه میدان می‌کشاند.

● **برکات حوزه علمیه قم**

**از رسیدن به قلهٔ علمی تا ایجاد جمهوری اسلامی**

و همین حوزه بود که چندی پس از درگذشت مؤسّسش، با قدوم مرجع عظیم‌الشّأن، آیت‌الله بروجردی ‎<sup>رحمّه‌الله</sup>، قله علمی و تحقیقی و تبلیغی تشیع در سراسر جهان شد و سرانجام همین حوزه بود که در کمتر از شش‌دهه، قدرت معنوی و وجهه مردمی خود را به آنجا رساند که توانست، رژیم خائن و فاسد و فاسق پادشاهی را به دست مردم ریشه‌کن کند و پس از قرن‌ها، اسلام را در جایگاه حاکمیّت سیاسی کشوری بزرگ و بافرهنگ و دارای همه‌گونه استعداد بنشاند.

متخرج همین حوزه پُربرکت بود که ایران را الگوی اسلام‌خواهی در جهان اسلام، بلکه پیشرو دین‌گرایی در سراسر جهان ساخت؛ با خطاب پیامبرانه او، خون بر شمشیر پیروز شد؛ با تدبیر او جمهوری اسلامی متولّد شد؛ با شجاعت و توکل او مِلّت ایران در برابر تهدیدها سینه سپر کرد و بر بسیاری فائق آمد و امروز با درس‌ها و موارث او کشور در بسیاری از ابعاد زندگی، مانع‌ها را درمی‌نورد و پیش می‌رود.

رحمت و رضوان پیوسته خدا بر بنیان‌گذار این حوزه پُربرکت و باعظمت و این شجره طیّبه پُرمُر؛ انسان والا و دانا و مبارک، عالم دین و آراسته به آرامش یقین، حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ‎<sup>رحمّه‌الله</sup>.

● **مسیر رسیدن به حوزه‌ای پیشرو و سرآمد**

اکنون لازم است درباره چند موضوع که گمان می‌رود، به کار امروز و فردای حوزه علمیه خواهد آمد، سخنانی گفته شود، به امید آنکه حوزه موفق کنونی را در راه رسیدن به حوزه‌ای «پیشرو و سرآمد» کمک کند.

● **عناصر تشکیل‌دهنده و کارکردهای عنوان «حوزه علمیه»**

نخستین موضوع، عنوان «حوزه علمیه» و محتوای عمیق آن است. ادبیات رایج در این باره، کوته و نارساست. حوزه برخلاف آنچه این ادبیات نشان می‌دهد، صرفاً یک مؤسّسه تدریس و تدرّس نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از علم و تربیت و کارکردهای اجتماعی و سیاسی است. ابعاد گوناگون این واژه پُرمعنا را عمدتاً می‌توان این‌گونه فهرست کرد:

- ۱. مرکز علمی با تخصص‌های معیّن؛
- ۲. مرکز تربیت نیروی مذهب و کارآمد برای هدایت دینی و اخلاقی جامعه؛
- ۳. خطّ مقدّم جبهه تقابل با تهدیدهای دشمنان در عرصه‌های گوناگون؛
- ۴. مرکز تولید و تبیین اندیشه اسلام در باب نظامات اجتماعی؛ از نظام سیاسی و شکل و محتوای آن، تا نظامات مربوط به اداره کشور و تا نظام خانواده و روابط شخصی، بر اساس فقه و فلسفه و منظومه ارزشی اسلام؛
- ۵. مرکز و شاید قلهٔ نوآوری‌های تمدّنی و آینده‌نگری‌های لازم در چارچوب پیام جهانی اسلام.
- این سرفصل‌هاست که واژه «حوزه علمیه» را معنی می‌کند و عناصر تشکیل‌دهنده آن و به‌تعبیری «انتظارات» از آن را نشان می‌دهد و همین‌هاست که تلاش برای تقویت و پیشرفت آنها، می‌تواند حوزه را به معنی واقعی «پیشرو و سرآمد» نماید و چالش‌ها و تهدیدهای محتمل پیش رو را علاج کند.
- درباره هریک از این سرفصل‌ها واقعیّات و نیز نظراتی وجود دارد که به اجمال می‌توان این‌گونه بیان کرد:

● **اول) مرکز علمی**

حوزه قم، وارث سرمایه سترگ علمی شیعه است. این ذخیره در نوع خود بی‌نظیر، محصول اندیشه‌ورزی و پژوهشگری هزاران عالم دینی در دانش‌هایی همچون فقه و کلام و فلسفه و تفسیر و حدیث، در

عموماً جنبه آلی و مقدّماتی برای رسیدن به حکم شرع را دارد یا بعضی موضوعات فقهی یا اصولی خارج از اولویّت‌ها، فقیه و محقق را با شیرینی وسوسه‌انگیز خود، چنان در خود غرق می‌کند که ذهن او را به‌کلی از آن مسائل اصلی و اولویّت‌دار منصرف می‌سازد و فرصت‌های بی‌جای‌گزین و سرمایه‌های انسانی و مالی را فدا می‌کند، بی‌آنکه در وانفسای هجوم کفر، کمکی به تبیین سبک زندگی اسلامی و هدایت جامعه برساند.

اگر هدف کار علمی، اظهار فضل و شُمعه علمی و مسابقه در فاضل‌نماشدن باشد، مصداق فعل ماذی و دنیاگرایانه و «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَواه» خواهد بود.

● **دوّم) تربیت نیروی مذهب و کارآمد**

حوزه نهادهی برون‌گراست. خروجی حوزه در همه سطوح، در خدمت فکر و فرهنگ جامعه و انسان‌هاست. حوزه موظف به «بلاغ مبین» است. دامنه این بلاغ، گستره‌ای عظیم است از معارف والاّی توحیدی تا وظایف شخصی شرعی و از تبیین نظام اسلامی و شاکله و وظایف آن تا سبک زندگی و محیط زیست و حمایت از طبیعت و از حیوان و بسی عرصه‌ها و زوایای دیگر حیات بشری.

حوزه‌های علمیه از دیرباز به این وظیفه سنگین پرداخته و کسان بسیاری از متخّرّجان آنها در سطوح مختلف علمی به شیوه‌های گوناگون تبلیغ دین روی آورده و عمری در آن گذرانده‌اند. پس از انقلاب، نهادهایی برای نظم بخشیدن و احیاناً قوام‌دادن به محتوای این حرکت‌های تبلیغی در حوزه پدید آمد. خدمات باارزش آنان و دیگر متخّرّفان امر تبلیغ دین نباید نادیده گرفته شود.

آنچه مهم است، آشنایی با فضای فکر و فرهنگ جامعه و ایجاد تناسب میان آورده‌های تبلیغی با واقعیّت‌های فکری و فرهنگی در میان مردم به‌ویژه جوانان است. در این بخش حوزه دچار مشکل است. این صدها مقاله و مجله و گفتارهای مجلسی و تلویزیونی و امثال آن، در برابر سیل القانات مغالطه‌آمیز، نمی‌تواند وظیفه بلاغ مبین را چنان‌که نیاز و شایسته است، به انجام رساند.

جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: «تعلیم» و «تهذیب».

رساندن پیامی که به‌روز و پُرکننده خلأ و برآورنده هدف دین باشد، حتماً نیازمند آموزش و فراگیری است. دستگاہی باید متصدّی این مأموریّت شود و قدرت اقناع، آشنایی با شیوه گفت‌وگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی و فضای رسانه‌ای و مجازی، انضباط در مواجهه با عنصر مخالف را به طلبه بیاموزد و با تمرین و ممارست، در دوره‌ای محدود، او را آماده ورود به این میدان کند. از سویی با استفاده از ابزارهای فنی روز، تازه‌ترین و شایع‌ترین القانات و آفت‌های فکری و اخلاقی را گردآوری و به‌ترین و رساترین و قوی‌ترین پاسخ را در قالب ادبیات متناسب با زمان برای آن فراهم کند و از سوی دیگر لازم‌ترین دانستنی‌های دینی متناسب با وضع فرهنگی و فکری روز را به‌صورت بسته‌های مناسب اندیشه و فرهنگ نسل جوان و نوجوان و خانواده‌ها تدوین نماید. این مجموعه شکلی و محتوایی، مهم‌ترین موضوع تعلیم در این بخش است.

در کار تبلیغ، موضع ایجابی و حتّی تهاجمی، از موضع دفاعی مهم‌تر است. آنچه درباره دفع و رفع شبهه‌ها و القانات گفته شد، نباید دستگاه تبلیغ را از تهاجم به مسلّمات فرهنگ انحرافی رایج در جهان و احیاناً در کشور ما، به غفلت بکشانند. فرهنگ تحمیلی و القائی غرب، با سرعتی روزافزون، رو به کج‌زوی و انحطاط است؛ حوزه فلسفه‌دان و متکلم، به دفاع در برابر شبهه‌انگیزی بسنده نمی‌کند؛ بلکه در قبال این کج‌زوی و گمراهی، چالش‌های فکری می‌آفریند و مدّعیان گمراه‌ساز را مجبور به پاسخگویی می‌کند.

تدارک این دستگاه آموزش‌دهنده از جمله اولویّت‌های حوزه است؛ این، پرورش «مجاهد فرهنگی» است و با توجّه به تحرّک دشمنان دین که به‌جد در حال نیروپوری به‌خصوص در برخی عرصه‌های مهم می‌باشند، شایسته است بسیار جدّی شمرده شود و شتاب بگیرد.

تهذیب، ضرورت دیگری در کنار تعلیم است. تهذیب به‌معنی منزوی‌پروری نیست. بخش عمده‌ای از گستره فعالیت مجاهد فرهنگی، دعوت به تهذیب نفس و اخلاق اسلامی است و این بدون برخورداری دعوت‌کننده از آنچه بدان دعوت می‌کند، کاری بی‌اثر و بی‌برکت است. حوزه نیازمند تحرّکی بیش از گذشته در تأکید بر توصیه‌های اخلاقی است.

شما طلاب و فضلاّی جوان به‌طور حتم قادرید، به‌مدد دل پاک و نالوده و زبان صادق خود، وظیفه تهذیب اخلاقی نسل جوان امروز را به سرانجام برسانید؛ مشروط بر اینکه نخست از خود شروع کنید. اخلاص در عمل و بستن راه بر وسوسه مال و نام و مقام، کلید ورود به فضای دلنواز معنویّت و حقیقت است و چنین است که کار دشوار مجاهدت فرهنگی، وظیفه‌ای شیرین و حرکتی اثرگذار خواهد شد. سختی‌های طلبگی در چنین وضعی به‌جای آنکه مانع رفتار مجاهدانه تبلیغ شود، به‌وسیله‌ای برای اراده محکم و عزم راسخ تبدیل خواهد شد.

تأکید می‌کنم که به صحنه تبلیغ دین هرگز به چشم یک میدان بی‌رقیب نباید نگریست و از مقابله با ابهام‌ها و مغالطاتی که پی‌درپی به صحنه فرستاده می‌شود، لحظه‌ای نباید غفلت کرد.

در این بخش، در کنار تربیت نیرو برای بلاغ مبین، باید تربیت نیرو برای وظایف خاصّ در نظام و اداره کشور و نیز تربیت نیرو برای سامان‌دادن به درون حوزه علمیه و انجام‌دادن وظایف آن نیز مورد توجّه قرار گیرد که مستلزم بحث جداگانه است.

ادامه در صفحه بعد